

سیب سوم

در تابستان امسال کتابِ عکس (سیب سوم) توسطِ نشر صور روانه‌ی بازار کتاب ایران شد. این کتاب که در اندازه‌ی ۷/۲۳×۲/۲۲ سانتی‌متر افقی، با جلد نرم، کاغذ گلاسه، به قیمت ۷۵۰۰۰ تومان، با تیراژ ۷۰۰ نسخه و با گردآوریِ نغمه قاسملو منتشر شده است، حاوی ۱۰۵ عکس از مجموعه‌ی (سیب سوم) از یحیی دهقان‌پور عکاس صاحب نام ایرانی است که در سال گذشته در گالری آران به نمایش در آمده بود. مجموعه عکس‌هایی که در آنها دهقان‌پور به کمک حالتِ پانورامای دوربینِ تلفن همراه، تصاویری تکه تکه و به ظاهر بریده و کلاژ گونه از دو شهر نیویورک و تهران ثبت کرده است. عکس‌های این مجموعه غالباً عمودی و بعضاً افقی و مربع (یا نزدیک به مربع) هستند و در دو بخش نه چندان مجزا با نسبتِ تقریبی سه به یک نیویورک در ابتدای کتاب و تهران در انتها (نیویورک: ۷۷ عکس، تهران: ۲۸ عکس) صفحه‌آرایی شده‌اند. البته چند عکس پایانی کتاب به منظری در ایران و خارج از تهران اختصاص دارد.

در کتاب «سیب سوم»، نوشته‌ای از دهقان‌پور و یا متنی که به عکس‌ها بپردازد دیده نمی‌شود و کتاب پس از صفحه‌ی عنوان و شناسنامه، بلافاصله با یک دیباچه‌ی کوتاه در باب «ضرورت نقد» و «ابراز نظرات متفاوت و قیاس آنها نسبت به موضوع»، بدون نام نویسنده‌ی آن آغاز می‌شود تا پس از آن با گفتگویی میان محمد آلاپوش (فیلم‌بردار)، بهرنگ صمدزادگان (نقاش)، نغمه قاسملو (عکاس)، صالح نجفی (مترجم) و نازیلا نوع‌بشری (گالری‌دار) درباره‌ی مجموعه عکس «سیب سوم» پی‌گیری شد.

با خواندن این گفتگوها آنچه به ذهن متبادر می‌شود، نگرش مثبت گفتگوکنندگان نسبت به عکس‌ها و شخصیت هنری دهقان‌پور است و نه پرسش از تردید در مجموعه یا چرایی انتخابِ عکس‌ها. برای مثال این پرسش که چرا عکس‌های افقی و مربع نیز در مجموعه حضور دارند؟ (در گفتگوی ابتدای کتاب محور بحث تنها بر سرِ عکس‌های عمودی است) چرا که یکی از جذابیت‌های موضوعی این مجموعه می‌توانست به چالش کشیدن تصویرِ چشم‌نوازِ پانورامای افقی به واسطه‌ی حرکت عمودی دوربینِ دهقان‌پور باشد. شاید تصور شود چنین پرسش‌هایی در کتابِ عکس یک عکاس برجسته جای نداشته باشد، اما با توجه به آنچه در به اصطلاح دیباچه آمده است، چگونه می‌توان «زمینه‌های نقادی» را در هنر ایران فراهم کرد؟ با یک گفتگوی پنج نفره‌ی ستایش انگیز؟!

به همین منوال در متن بعدی که یادداشتی کوتاه و عجولانه از یولاندا کاپربلیونه استاد زیبایی‌شناسی دانشگاه ناپل است، معلوم نیست این نوشته چه چیزی بیشتر از آن گفتگوها و یا نوشته‌ی یک کارشناس هنری ایرانی دارد؟ این نکات و زوائد به جای کمک به این کتابِ عکس و عکاسی ایران، جزئیاتی هستند که بیش از آنچه که احتمالاً در ذهن گردآورنده می‌گذرد به آن ضربه می‌زند.

شکل طراحی کتاب نیز علیرغم پتانسیل عکس‌ها برای یک طراحی هنری، کم مسأله ندارد. البته در شناسنامه‌ی کتاب نامی از طراح هنری نیز به چشم نمی‌آید، شاید به دلیل عدم اعتماد به یک طراح ایرانی یا عدم تخصیص بودجه برای آن و یا از روی کافی دانستن سلیقه‌ی هنری گردآورنده و عکاس در کنار هم. همچنین طراحی جلد کتاب، به دلیل نوع تایپوگرافی عنوان و نام عکاس، بیشتر به یک کاتالوگ در دو دهه‌ی پیش شباهت دارد تا یک کتاب عکس از یکی از پروژه‌های عکاسی معاصر ایران. همچنین انتخاب زمینه‌های سیاه رنگ در بعضی صفحه‌ها، توجیهی متنی و یا فرامتنی ندارد. این زمینه‌های سیاه که در هر کجا و به شکل پراکنده استفاده شده‌اند، موجب گم شدن عکس‌های پر جزئیاتی شده‌اند که کوچکتر از اندازه‌ی اصلی‌شان در کتاب چاپ شده‌اند. به این موارد چیدمان پر تعداد عکس‌ها (شاید به دلیل کم کردن تعداد صفحات و هزینه‌ها و البته از روی همنشینی موضوعی) را نیز باید افزود.

در آغاز کتاب، نه تنها هیچ فاصله‌ای میان شناسنامه و متون دیده نمی‌شود بلکه در یک صفحه‌ی سفید میان گفتگوها و یادداشت یولاندا کاپریلیونه، یک عکس از شناسنامه‌ی دهقان‌پور که به همان روش ثبت عکس‌های پانوراما برداشته، گنجانده شده است. مانند این که قرار است صفحه‌ی خالی پر شود، در حالی که سفید خوانی بخشی از طراحی هر کتاب عکسی است.

شاید فکر کنیم بر شمردن این مسائل بدیهی به فروش کتاب یکی از معدود و قابل تأمل‌ترین مجموعه‌های عکاسی معاصر ایران ضربه می‌زند، اما ضرورت به میان آوردن این بحث، با وجود هزینه‌ی صرف شده و تلاش گردآورنده‌ی کتاب، در کنار جدی گرفتن انتشار کتاب عکس از سوی ناشر، از دست ندادن چنین فرصت‌های مغتنمی برای بهتر دیدن مجموعه عکس‌های مشابه در ایران و خارج از آن است. آن هم مجموعه عکسی که کتاب پیشین عکاس‌اش با عنوان (آن روز او را در باغچه کاشتند...) با کیفیتی کم نظیر به چاپ دوم رسید.

برای بهبود کیفیت کتاب‌های عکس کافی است ناشران علاوه بر علاقه و سلیقه‌ورزی به این موضوع فکر کنند که چگونه می‌توانند در کنار مهم شمردن نگاه مخاطب ایرانی، تولیدات خود را در کنار کتاب‌های برجسته‌ی عکاسی در سطح بین‌المللی ببینند تا نه تنها عکاسی ایران به شکلی بایسته و حرفه‌ای به مخاطب غیرایرانی معرفی شود بلکه مهمتر از آن نگاه مخاطب ایرانی نیز در دیدن عکس و کتاب عکس ارتقاء یابد.

